

تحلیل ساختاری و درون مایه‌ای نامه‌ها در تاریخ بیهقی

سیده فاطمه حسینی تبار^۱ - *دکتر حمیدرضا سلیمانیان^۲، دکتر عباس خیرآبادی^۳

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.
^۲* استادیار زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران (نویسنده مسئول).
^۳ استادیار زبان و ادبیات فارسی، عضو هیات مدیره انجمن ادبی بنیاد فردوسی شاخه توس، ایران.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۸ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۵

چکیده

نامه یکی از ابزارهای برقراری ارتباط میان انسان‌هاست که از دیرباز مورد استفاده آن‌ها بوده‌است. نامه‌های موجود در منابع فارسی از جهات مختلف درخور مطالعه و تحقیق هستند. هدف و مسأله اصلی رساله حاضر که با استناد به منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی تدوین شده، بررسی و مقایسه ساختار و درونمایه انواع نامه‌ها می‌باشد. شواهد نشان می‌دهد که در تاریخ بیهقی، نامه‌ها در این دسته‌ها جای می‌گیرند: توفیق؛ خصوصی؛ مشافهه؛ منشور؛ فتح‌نامه؛ سوگندنامه؛ پیمان‌نامه؛ معمانامه؛ مواضع؛ گشادنامه؛ ملطفه. از دید ساختاری در تاریخ بیهقی به ندرت نامه‌ها با نام خداوند شروع شده‌است و همچنین در مورد نامه‌ها در این اثر باید گفت که هرگز جنبه اطنا به خود نمی‌گیرند و از مترادفات، صنایع لفظی، ترکیبات عربی، مشحون هستند. همچنین، جمله‌ها، کوتاه و مستقل و از نظر معنی به هم پیوسته بوده و الفاظ و افعال و روابط، در جمله‌های پی در پی تکرار می‌شوند و این امر، نثر را در مواردی به زبان محاوره نزدیک‌تر کرده‌است. کلیدواژه: تاریخ بیهقی، نامه، ساختار، درونمایه، محتوا، مقایسه.

۱- مقدمه

انسان‌های قدیم برای ارتباط با کسانی که از آنها دور بودند، آموختند که با «نامه» ارتباط برقرار کنند و نامه‌نگاری به وجود آمد. نخستین نوشته‌های انسان مطمئناً نامه بوده‌است؛ زیرا هر پدیده‌ای بر اساس نیازی، چه نیاز جسمانی و چه نیاز روحانی به وجود آمده و پیدایش خط نیز در نتیجه نیاز به نامه‌نگاری بوده‌است.

نامه نگاری در ایران پیش از اسلام رواج و رونق خاصی داشته‌است. نکته قابل توجه، شأن و مقام دبیران در ایران باستان است که دبیران در تقسیم‌بندی چهارگانه جامعه ساسانی پس از موبدان و سپاهیان قرار داشتند و بزرگ‌ترین دبیران، مقامی مشابه با صاحب دیوان رسایل در تشکیلات دبیرخانه سلاطین بعد از اسلام داشت. (پوردوود، ۱۳۸۰: ۱۱۷) دیوان رسایل و تشکیلات دبیرخانه ساسانیان که خود بر سنتی کهن‌تر استوار بود، در دوره عباسیان بی‌کم و کاست به وسیله دبیران و نویسندگان ایرانی‌نژاد در دربار خلفا تقلید شد و پس از چندی به همان صورت به دربار سلاطین ایران راه یافت و مورد استفاده قرار گرفت. بنابراین، مقوله نامه‌نویسی با توجه به شرایط سیاسی حاکم بر جوامع انسانی امری بدیهی بوده و در سیاست‌های خرد و کلان شاهان آن دوره اثری ملموس داشته و راهبردهای کلان حکومت‌ها را تعیین می‌کرده‌است.

منشورها، فرمان‌ها، نامه‌ها و رسایل سلطانی از انواع مهم و قابل توجه منابع و اسناد معتبری است که بیشتر حاصل اقلام نویسندگان و ادیبانی است که در کشف حقایق تاریخی و ریشه بسیاری از وقایع، راهگشای مورخان و محققان خواهند بود که از جهات مختلف حائز اهمیت و درخور مطالعه، تحقیق و تدقیق هستند.

۱- بیان مسأله

در میان متون ادبی فارسی تاریخ بیهقی مشمول نامه‌های بسیاری است که این امر تا اندازه‌ای بدیهی به نظر می‌رسد؛ زیرا بخش قابل توجهی از این اثر با مسائل سیاسی و حاکمیتی گره خورده است و روایت‌های بسیاری از جنگ‌ها و صلح‌ها و پیروزی‌ها و شکست‌ها در آن دیده می‌شود. از این‌رو، بدیهی است که نامه‌ها بازتاب ویژه‌ای در آن داشته باشد.

تاریخ بیهقی را باید به عنوان نمونه از کهن‌ترین آثار بجامانده نثر فارسی و در نگاهی جزئی‌تر، آیینی نسبی نامه‌نگاری‌های رایج از تاریخ دانست که خوانش و استخراج مکاتبات موجود در این اثر، به انضمام دسته‌بندی‌های دقیق ساختاری و محتوایی، نمونه‌هایی والا از ادب‌نامه‌های اداری ایران در سده‌های گذشته را فراروی پژوهشگران قرار می‌دهد و آنها را در اتخاذ مناسب‌ترین شیوه‌های نامه‌نگاری که حاوی ویژگی‌های فرهنگی اقلیم ایرانی-اسلامی ماست، یاری می‌کند. بیهقی در تاریخ خود، با آموزش‌هایی که نزد استاد خود بونصر مشکان دیده و نیز، قدرت ادبی و ذوق بالای خویش، بخشی از تاریخ ایران را به رشته تحریر درآورده است. با توجه به توضیحات مطرح‌شده، هدف و مسأله اصلی در تحقیق حاضر این است که محتوای نامه‌ها و ساختار کلی آن در اثر یادشده بازنمایی شود.

۲- سوال تحقیق

۱- نامه‌ها در تاریخ بیهقی بر حسب محتوا به چه دسته‌هایی تقسیم می‌شوند؟

۲- ساختار نامه‌ها در تاریخ بیهقی چگونه است؟

۳- فرضیه تحقیق

۱- نامه‌ها در تاریخ بیهقی بر حسب محتوا ذیل این دسته‌ها جای می‌گیرند: نامه‌های تهدید؛ توقیع؛ خصوصی؛ مشافهه؛ منشور؛ فتح‌نامه؛ سوگندنامه؛ پیمان‌نامه؛ معمانامه؛ مواضعه؛ گشادنامه؛ ملطفه.

۲- نامه‌ها در تاریخ بیهقی جنبه اطناب به خود نمی‌گیرند و از مترادفات، صنایع لفظی، ترکیبات عربی، استعمال محدود جملات وصفی خالی یا کم بهره هستند. همچنین، جمله، کوتاه و مستقل و از نظر معنی به هم پیوسته بوده و الفاظ و افعال و روابط، در جمله‌های پیاپی تکرار می‌شوند.

۴- پیشینه تحقیق

در خصوص نامه‌نگاری در تاریخ بیهقی، پژوهش‌هایی صورت گرفته است که در ادامه به مهم‌ترین موارد آن اشاره می‌شود:

- ناهید (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «نامه و نامه‌نگاری در تاریخ بیهقی» به این نتیجه رسیده است که بیهقی فن نامه‌نگاری را به تمامی و کمال از استاد خود آموخت و به همین سبب در سرتاسر کتابش، خواسته یا ناخواسته به بیان و آموزش فن نامه و نامه‌نگاری به مخاطب خود پرداخته و سخن از انواع نامه‌ها همچون: مستوره، منشور، مشافهه و اقسام نامه‌ها به حیث مضمون و محتوی مانند: گشادنامه، عتاب‌نامه، گاه‌نامه و خصوصیات نگارشی آنها مثل: آغاز شدن با نام پروردگار، داشتن مخاطبه و طریقه نگهداری و محافظت از آنها می‌پردازد.

- سمیعی و حیدری (۱۳۹۴) در مقاله «مقایسه نقش و ویژگی‌های دبیران در شاهنامه و تاریخ بیهقی»، به تحلیل ویژگی‌های دبیر و دیوان رسالت در این دو اثر پرداخته‌اند.

- صالحی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای به بررسی نگارش نامه‌های دیوان رسالت در عصر غزنوی با تکیه بر تاریخ بیهقی پرداخته است. از دید نویسنده، در دوره غزنوی، دبیران ایرانی پس از سال‌ها عربی‌نویسی، شروع به نگارش متون به زبان فارسی نمودند و نهضت نگارش متون ادبی، علمی و فلسفی آغاز شد. دیوان رسالت، یکی از دیوان‌های برجسته غزنوی بوده و دبیری در این دوره، ویژگی‌های خاصی نسبت به دوره‌های قبل داشته است. نثر فارسی که از اوایل قرن پنجم به شیوه مرسل عالی شکل گرفته بود، در متون این دوره، به خصوص در تاریخ بیهقی به کمال رسیده است. مکاتبات و نامه‌های معمول در دیوان رسالت در دوره پیش‌گفته، مشتمل بر موضوعات متفاوتی می‌باشد.

- نصیری عمران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای به انواع نامه‌ها در تاریخ بیهقی (توقیعی، رسالت، گشادنامه، ملطفه، منشور، منشور توقیعی، نامه عتابی و نامه مظالمی) اشاره کرده‌است.

- رضایی اول و دلبری (۱۳۹۷) در مقاله «بررسی هم‌سنج نامه‌های تاریخ بیهقی با نامه‌های عتبه‌الکتابه و التوسل الی التوسل» به این نتیجه رسیده‌اند که نامه‌های بیهقی با وجود سادگی درخور ملاحظه‌ای که در شیوه نگارش نسبت به نامه‌های دو کتاب دیگر دارد از رسایی، بلاغت، اقناع مخاطب و زیبایی بیشتری برخوردار است.

۵- ضرورت و اهمیت تحقیق

نامه‌ها منابعی ارزشمند و اسنادی معتبر در کشف حقایق تاریخی هستند که راهگشای مورخان و اهل تحقیق خواهند بود. نامه‌ها از نظر تاریخی، سیاسی، اجتماعی و ادبی اهمیت بسزایی دارند. به علاوه با مطالعه و بررسی دقیق نامه‌ها در آثار ادبی می‌توان به نکات مهم دستوری، لغوی و سبک‌شناسی نیز دست یافت. همچنین، بخشی از لایه‌های فکری شاعر یا نویسنده در این نامه‌ها مستتر است که با واکاوی آن، امکان آگاه شدن از کیفیت قلم ادبا فراهم می‌شود. همچنین، این نامه‌ها اگرچه در آثار ادبی بازنمایی شده‌اند، ولی در روشن شدن بسیاری از یافته‌های تاریخی به ویژه مسائلی که در بخش‌های تاریخی مبهم است و نیاز به بازنگری دارد، اثری ملموس دارند و می‌توان از آنها بهره‌برداری کرد.

۶- مبانی نظری پژوهش

۱- تحلیل ساختاری

تحلیل ساختاری (Structural analysis) روشی نظام‌مند برای شناسایی سرنمون پیوندهای علی بین مجموعه‌ای از شاخص‌های متنوع و گوناگون است. این روش برای انواع پژوهش‌های کیفی به کار می‌رود و در حوزه تحقیق در عملیات نرم قرار دارد (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۳۶). بنابراین، این روش با تحقیقاتی که مبتنی بر کمیت هستند، تناسب ندارد و نمی‌توان از چهارچوب‌های آن بهره‌برداری کرد. همچنین، تحلیل ساختاری روشی است که برای بازنمایی روابط علی و معلولی به کار برده می‌شود. از این رو، مناسبات میان شاخص‌ها بهتر بررسی می‌شود.

هنگامی که در مطالعه یک پدیده، شاخص‌های متعدد و زیادی وجود داشته باشد، شناسایی الگوی روابط درهم‌تنیده این شاخص‌ها به سادگی میسر نیست. روش‌های آماری مرسوم مانند: مدل معادلات ساختاری و حداقل مربعات جزئی در چنین مسائلی عملکرد مطلوبی ندارند. راهکار مناسب آن است که از روش‌های مبتنی بر پارادایم تفسیری استفاده شود و اثبات‌گرایی و آزمون فرض آماری فراموش شود. تحلیل ساختاری با هدف شناسایی همین روابط پیچیده معرفی شده‌است (رفیع‌پور، ۱۳۸۵: ۴۹-۴۸). در واقع، این‌گونه باید گفت که وقتی از روش تحلیل ساختاری استفاده می‌شود، آمارها و کمیت اعتبار خود را از دست می‌دهد؛ زیرا شاخص‌های آن پدیده مورد بررسی دارای گونه‌گونی هستند.

یکی از واژه‌های کلیدی در تحلیل ساختاری، پارادایم تفسیری است. «منظور از پارادایم همان الگوی فکری ابوده که مبتنی بر پارادایم‌های عقل‌گرایی، تجربه‌گرایی و تفسیری است ... پارادایم عقل‌گرایی می‌گوید آنچه قابل پذیرش است، باید توسط عقل قابل توجیه باشد. فلسفه از عقل‌گرایی ناشی شده‌است. پارادایم تجربه‌گرایی می‌گوید آنچه قابل پذیرش است، باید قابل تجربه و آزمون باشد. علم از تجربه‌گرایی ناشی شده‌است. آدموند هوسرل، پارادایم جدیدی را به نام پارادایم تفسیری معرفی کرد. براساس این پارادایم، علوم انسانی پیچیدگی‌هایی دارد که با عقل و تجربه قابل آزمون نیست (رفیع‌پور، ۱۳۸۵: ۱۲۹-۱۲۸) و صرفاً با تکیه بر پارادایم تفسیری باید به آن رسید. هوسرل به این باور می‌رسد که برای تحلیل علوم انسانی نباید به عقل و تجربه به صورت صرف تکیه کرد؛ زیرا نمی‌توان دستاورد قابل ملاحظه‌ای داشت. به بیان دیگر، اگر تأکید پژوهشگر بر این دو شاخص باشد، قطعاً داده‌ها و بازخوردهای علوم انسانی با اشتباه‌ها و ناسازگاری‌های بسیاری همراه خواهد بود. مراحل انجام تحلیل ساختاری به صورت زیر است:

- **شناسایی شاخص‌های مورد مطالعه:** روش منحصر به فردی برای شناسایی شاخص‌های مورد مطالعه وجود ندارد. اگر از مصاحبه استفاده شود، می‌توان از تحقیقات کیفی مانند: آینده‌پژوهی، تحلیل محتوا، تحلیل مضمون یا گراندد تئوری بهره‌برداری کرد. اگر از مطالعه پیشینه پژوهش و ادبیات تحقیق بهره‌گیری شده باشد، می‌توان از روش‌های فراترکیب، فراتحلیل یا مرور سیستماتیک استفاده کرد. در نهایت، از ظرفیت‌های روش‌های تحقیق در عملیات نرم مانند تجزیه و تحلیل گزینه‌های استراتژیک (سودا) هم می‌توان بهره‌برداری نمود.

- **شناسایی روابط شاخص‌های مورد مطالعه:** در این مرحله می‌توان از روش‌های تحقیق در عملیات نرم مانند انواع نگاشت مفهومی، نگاشت علی یا نگاشت شناختی استفاده کرد (اینگلتون، ۱۳۸۰: ۱۳۹-۱۳۷) تا مناسبات میان شاخص‌های مورد بررسی بازکاوی شود.

در مجموع، در ارتباط با تحلیل ساختاری باید گفت روشی برای طراحی الگوهای چندوجهی و پیچیده است که در مطالعات مدیریت و علوم اجتماعی کاربرد دارد. این روش قیدوبندهای روش‌های آماری را ندارد و برای مطالعه پدیده‌های سازمانی و مدیریتی بسیار مناسب است. همچنین، این روش ذاتاً یک روش ترکیبی یا آمیخته

است. لذا پژوهشگر باید در شناسایی لیست اولیه عوامل کلیدی علاوه بر مطالعات گسترده کتابخانه‌ای، از یکی از روش‌های مصاحبه، پانل و یا تکنیک دلفی استفاده نماید که هر کدام از این روش‌ها نیاز به توانایی‌های خاص خود دارند. از این‌رو، پژوهشگران بایستی با روش‌های تحقیق کیفی، نحوه نمونه‌گیری و چگونگی اندازه‌گیری روایی و پایایی این روش‌ها آشنایی داشته باشند (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۳۸-۳۹) تا درک بهتری از مقوله‌ی ساختار و تحلیل ساختاری به دست آورد.

۲- تحلیل محتوایی

در میان تعریف‌هایی که در ارتباط با مقوله تحلیل محتوا وجود دارد، تعریف برنارد برلسون (Bernard Berelson) از همه جامع‌تر به نظر می‌رسد، زیرا با اینکه مدت زیادی از بیان این رویکرد می‌گذرد، ولی غالب محققان در تبیین آراء خود به این تعریف استناد می‌کنند. برلسون باور دارد که «تحلیل محتوا یک شیوه تحقیقی است که برای تشریح عینی، منظم و کمی محتوای آشکار پیام‌های ارتباطی به کار می‌رود. به عبارت دیگر، وی تحلیل محتوا را روش مطالعه و تجزیه و تحلیل ارتباط با شیوه نظام‌دار، عینی، کمی و آشکار برای اندازه‌گیری متغیرها توصیف می‌کند» (رایت، ۱۳۷۳: ۲۰). البته، تعریف‌های دیگری هم از این پدیده وجود دارد که ابعاد جدیدی از آن را بازنمایی می‌کند. در این بین، ریچارد پاد عقیده دارد که تحلیل محتوا شیوه‌ای منظم برای تجزیه و تحلیل یک پیام و پیدا کردن روش چگونگی برخورد با آن پیام است. همچنین، موریس دوورژه، تحلیل محتوا را به معنای طبقه‌بندی عنصرهای متن مورد تحلیل در مقوله‌هایی از پیش تعیین‌شده، می‌داند. بارکوس نیز می‌گوید که تحلیل محتوا به معنای تحلیل علمی پیام‌های ارتباطی است که با وجود جامع بودن از نظر ماهیت، نیازمند نظم و تحلیل دقیق هستند. از دید معتمدنژاد، تحلیل محتوا، به هر نوع فنی اطلاق می‌گردد که در راه استنتاج منظم و عینی ویژگی‌های خاص یک متن به کار می‌آید (بدیعی، ۱۳۷۶: ۴۲). ساروخانی نیز، تحلیل محتوا را شناخت و برجسته‌سازی محورها یا خطوط اصلی محتوای ارتباط تعریف می‌کند (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۷۶). بنابراین، زمانی که یک محقق از تحلیل محتوا استفاده می‌کند، قصد دارد زوایای گوناگون یک متن تولیدی و پیام نهفته در آن را واکاوی کند و عناصر تأثیرگذار بر مخاطب را از درون آن بیابد و دسته‌بندی کند. آنچه در این رابطه اهمیت دارد این است که تحلیل محتوا برای محقق هیچ دشواری و مشکلی به وجود نمی‌آورد و کار پژوهشگر ساده‌تر پیش می‌رود؛ چراکه در داده‌ها هیچ دخالتی ندارد و نیاز به دستکاری کردن آن وجود ندارد.

۷- بحث اصلی

۱- تحلیل ساختاری و درونمایه‌ای نامه‌ها در تاریخ بیهقی

در این بخش، ابتدا نامه‌ها بر اساس محتوا دسته بندی می‌شوند و سپس در هر دسته و رده، ساختمان نامه نیز تشریح و تحلیل می‌شود. نامه‌ها در تاریخ بیهقی برحسب درونمایه در تقسیم‌بندی زیر جای می‌گیرد:

۱- نامه‌ای است سرگشاده که در اجرای کارهای مهم می‌دادند: گشادنامه

۲- نامه‌هایی با پیام قراردادی: مواضعه

۳- نامه‌هایی با پیام رمزی و معمایی: نامه معما

۴- نامه‌هایی با پیام عهد و پیمان پادشاهی با پادشاه دیگر: پیمان‌نامه

۵- نامه‌هایی با پیام سوگند خوردن و تعهد: سوگندنامه

۶- نامه‌هایی با پیام و خبر پیروزی لشکر: فتح‌نامه

۷- قرارداد بین دو نفر در نامه: مواضعه

۸- نامه‌هایی که نباید آشکار شود: نامه خصوصی

۹- نامه‌هایی که به طور شفاهی پیک می‌شود: مشافهه

۱۰- نامه‌هایی با مهر شاه: توقیعی

درونمایه و ساختار هر یک به شرح زیر است:

گشادنامه

در فرهنگ معین، در معنای این واژه ذکر شده است: «فرمان پادشاهان، دیباچه کتاب» (معین، ۱۳۸۹: ذیل مدخل). یاحقی، گشادنامه‌ها را نوعی اعتبارنامه می‌داند که در اجرای کارهای مهم کاربرد داشته‌است: «گشادنامه نامه‌ای است سرگشاده که در اجرای کارهای مهم می‌دادند و در آن مأموریت وی و فرمانی که می‌بایست اجرا کند نوشته بود، و به اصطلاح امروز، اعتبارنامه‌اش محسوب می‌شد» (یاحقی، ۱۳۸۹: ۲۱۹)

در تاریخ بیهقی گشاده‌نامه‌ای که سلطان محمود با خط خویش تحریر کرده، ذکر شده و آن درباره مأموریتی است که به سرای مخصوص پسرش در هرات برود و تحقیق کند آیا گزارش منهبیان راجع به نقش کردن تصاویر مردان با زنان بر دیوارهای خیش خانه‌اش درست است یا نادرست: «و امیر محمود هر چند مشرفی داشت که با این امیر فرزندش بودی پیوسته، تا بیرون بودی با ندیمان و انفاسش می‌شمردی و آنها می‌کردی. مقرر بود که آن مشرف در خلوت جای‌ها نرسیدی. پس پوشیده بر وی مشرفان داشت از مردم چون غلام و فرآش و پیرزنان و مطربان و جز ایشان که بر آنچه واقف گشتندی، باز نمودندی تا از احوال این فرزند هیچ چیز بر وی پوشیده نماندی. و پیوسته او را به نامه‌ها مالیدی و پندها می‌دادی که ولیعهدش بودی و دانست که تخت ملک او را خواهد بود. و چنان که پدر بر وی جاسوسان داشت پوشیده، وی نیز بر پدر داشت هم از این طبقه که هر چه رفتی باز نمودندی. و یکی از ایشان نوشتگین خاصه خادم بود که هیچ خدمتگار به امیر محمود از وی نزدیک تر نبود. و حرّه ختلی عمّتش خود سوخته او بود.

پس خبر این خانه به صورت آلفیه سخت پوشیده به امیر محمود نبشتند و نشان بدادند که چون از سرای عدنانی بگذشته آید، باغی است بزرگ، بر دست راست این باغ حوضی است بزرگ و بر کران حوض از چپ این خانه است. و شب و روز بر دو قفل باشد زیر و زبر و آن وقت گشایند که امیرمسعود به خواب آنجا رود و کلیدها به دست خادمی است که او را بشارت گویند. و امیر محمود چون بر این واقف گشت وقت قیلوله به خرگاه آمد و این سخن با نوشتگین خاصه خادم بگفت و امیر به خط خویش گشادنامه‌ای نبشت بر این جمله:

آغاز با ستایش حق

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

امر

محمودابن سبکتگین را فرمان چنان است این خیل‌تاش را که به هرات به هشت روز رود چون آنجا رسید یک سر تا سرای پسر مسعود شود و از کس باک ندارد و شمشیر برکشد و هر کس که وی را از رفتن باز دارند گردن وی بزند و هم چنان به سرای فرود رود و سوی پسر ننگرد و از سرای عدنانی به باغ فرود رود» (ص ۱۷۶).

در متن فوق، ساختار نامه یکپارچه و یکدست است. نویسنده نامه، تنها از جملات امری بهره برده تا فرمانی را که می‌بایست اجرا شود، به گیرنده برساند. فرستنده یا همان نویسنده، جملات کوتاه و بریده‌بریده را با واو ربط در کنار هم و به صورت پی‌درپی به کار می‌گیرد تا جملات مفید و موجز در نامه نگاشته شود. همچنین، ساختار نامه از اجزای متعدد و متفاوتی ساخته نشده است و یکنواختی در آن به روشنی دیده می‌شود. طبق متن فوق، از آنجا که در تاریخ بیهقی، متون با نقل مستقیم به ندرت دیده می‌شود و از آنجا که متن فوق، حاوی نقل مستقیم متن و دارای ساختار مشخصی است، لذا ساختار متن نامه در نگاه کلی و جزئی تر به شرح زیر تشریح می‌شود:

نام حق	(۱) آغاز نامه:	طرح کلی ساختار متن نامه:
امر	(۲) میانه نامه:	
امر	(۳) پایان نامه:	
////////////////////////////////////		
فرستنده به عنوان قدرت بالاتر در قالب امر در برابر گیرنده قرار گرفته است.	(۱) حضور فرستنده و گیرنده:	طرح جزئی ساختار متن نامه:
جملات در ابیات امری است که ساختار یکنواختی را برای متن نامه رقم می‌زند. کاربرد جملات کوتاه و قطعه قطعه + جملات عربی در نامه‌ها از دیگر خصوصیات ساختاری متن محسوب می‌شود. جملات آهنگین با فعل: رود، برکشد، ننگرد و سجع در جمله ایجاد کرده‌اند.	(۲) کاربرد نوع جملات:	
لحن جدی و آمرانه برای اظهار قدرت امر کردن در متن نامه کاملاً پیداست.	(۳) کاربرد نوع لحن:	

– ارتباط درونمایه با ساختار

درونمایه متن، تحقیق و تفحص است. جملات امری به عنوان بخشی از ساختار متن، می‌تواند با موضوع تفحص به عنوان درونمایه و فکر مسلط متن مرتبط باشد.

مواضعه

مواضعه یکی از انواع نامه‌ها بوده و «قراردادی است که به صورت کتبی بین سلطان و یکی از رجال که شغلی جدید یافته با دو تن از رجال با هم در امور دیوانی یا مالی و غیره بسته می‌شده است و در آن شرایط شغل ذکر می‌گردد» (یاحقی، ۱۳۸۹: ۲۱۵). مواردی چون:

– مواضعه بوسهل حمدوی در وقت انتصاب که کدخدایی وی نوشته است

«اگر رأی خداوند بیند تا بنده (بوسهل حمدودی) با خواجه و بونصر بنشیند و آنچه در این باب بگوید و مواضعه بنویسد و آنچه درخواستی است درخواهد که چنان که بنده شنود آن شغل خلل‌گونه شده‌است تا بر قاعده درست رود. امیر گفت صواب چنین باشد هر سه تن خالی بنشستند و هم چنان کردند و سخت دیو سخن رفت و آنچه گفتنی و نهادنی بود بنهادند و بگفتند و پراکندند و بوسهل حمدوی مواضعه‌ای نشست در هر پای با شرایط تمام چنان که او دانستنی نشست که فرد سخت کافی و دریافته‌بود و بونصر مشکان عرضه کرد امیر به خط خویش جواب نشست» (ص ۶۱۷). همانطور که در متن فوق نشان داده‌شده، متن نامه کاملاً در قالب نقل قول‌های غیرمستقیم است و خبری از نقل قول و گفتار مستقیم در متن نامه نیست. نویسنده تنها اشاره‌ای کلی از تمامیت نامه می‌کند و متن کامل آن را نادیده می‌گیرد.

متن مواضعه میان سلطان و او

«و (خواجه) مواضعه به خط خویش نوشتن گرفت و زمانی روزگار گرفت تا نبشته آمد و این خداوند خواجه چیزی بود در این ابواب و آنچه او نبشته چند مرد نبشته که کافی‌تر و دبیرتر انبای عصر بود، در معنی آنکه خداوند زاده را خدمت بر کدام اندازه باید کرد و وی حرمت بنده بر چه جمله که نگاه دارد و در معنی غلام سرایی و سالار ارشان فصلی تمام و ...» (ص ۵۱۰).

متن نامه فوق نیز در قالب نقل قول‌های غیرمستقیم است و خبری از نقل قول و گفتار مستقیم در متن نامه نیست. نویسنده تنها اشاره‌ای کلی از محتوای نامه می‌کند: اینکه چه اندازه باید خداوندزاده را خدمت کرد و در باب حرمت‌داری و غلامسرایبی و ... بنابراین، نویسنده متن کامل نامه را نادیده می‌گیرد و خود شرحی کلی از آن می‌دهد به گونه‌ای که گویا او خود متن نامه را خوانده و برای مخاطب توضیح مختصری می‌گذارد.

- مواضع‌هایی که بین دو نفر «دیوانی» منعقد گشته، قراردادی است که بین بوسهل زوزنی زمانی که ریاست دیوان رسالت را داشت و مأموریت بست یافته‌بود و بوالفضل بیهقی که به جانشینی وی منصوب گشته بود، نوشته شده است:

«و چون تن درد داد به رفتن مرا خلیفت خویش کرد و تازه توقیعی از امیر بستند ... و من مواضع نبشتم در معنی دیوان و دبیران و جواب‌ها نبشت و مثال‌ها داد» (ص ۶۴۹).

ساختمانی برای متن فوق نیز نمی‌توان تصور کرد، زیرا کلی‌گویی، اصل اساسی متن نامه فوق - مانند سایر موارد در قالب نقل غیرمستقیم است. درونمایه هم، خلافت و جانشینی است.

طبق تعاریف فوق،

در مواضع‌های تاریخ بیهقی:

- ۱- متن کامل و اصلی بیان نمی‌شود و نقل غیرمستقیم همراه با کلی‌گویی است.
- ۲- با این وجود، آنچه از نقل غیرمستقیم پیداست، جملات امری باید، ساختمان متن اصلی را پر کرده باشد.
- ۲- درونمایه و فکر مسلط نامه، جانشینی و خلافت است که با ساختار جملات امری از جانب بالادست به شخص جانشین به عنوان زیردست کاملاً سنخیت دارد.

نامه معماگونه

گاه نامه به صورت رمزی و معما نوشته می‌شده است تا در جلوگیری از افشای مندرجات آن دقت زیادتری شده باشد. «بیهقی این گونه نامه را «ملطقه معما»یی خوانده، درک نامه‌های معما منوط به ترجمه کردن و «بیرون آن معما» است که به وسیله دانستن کلید معما- که قراردادی بین نویسنده معما و گیرنده آن است- عملی می‌گردد» (حسینی کازرونی، ۱۳۸۸: ۹۷). مواردی چون:

- معما از امیرک بیهقی

ابوالحسن احمد بن محمد عنبری، مشهور به امیرک بیهقی، صاحب برید بلخ در زمان سلطان مسعود غزنوی، رئیس دیوان سلطان مودود و عبدالرشید و دبیر فرخزاد غزنوی است. امیرک بیهقی، همراه لشکریان سلطان مسعود (حک: ۴۲۱-۴۳۲ هـ) برای سرکوب علی تگین، از امیران ایلک خانی در ماوراءالنهر، به بخارا رفت تا اخبار جنگ را به اطلاع سلطان برساند. در متن نامه چنین آمده است:

«نبشته بود که: داود آنجا آمد. پدر بلخ با لشکر گران و پنداشت که شهر بخوانند گذاشت و آسان بدو خواهند داد. بنده هر کار استوار کرده بود و از روستا عیاران آورده و والی ختلان شهر را خالی گذاشت و بیامد که آنجا نتوانست بود. اکنون دست یکی کرده‌ایم و جنگ است هر روز، خصم بیدار، جنگ می‌کرد، تا رسولی فرستاد تا شهر بدو دهیم و برویم. چون جواب درشت و شمشیر یافت نومید شد. اگر رأی خداوند ببیند فوجی تشکر یا مقدمی هشیار از غزنین اینجا فرستاده آید تا این شهر را بداریم که همه خراسان درین شهر بسته‌است و اگر مخالفان این را بگیرند آب به یکبارگی پاک بشود» (ص ۹۷۶).

متن فوق، متن اصلی و ترجمه شده معماست که ساختار یکپارچه‌ای دارد و علت آن، متن گزارش گونه است. نه از ستایش و تکریم و نه از تاسف و نکوهش و ... خبری نیست. همچنین، درونمایه اصلی نامه، جنگ است. طبق متن فوق، از آنجا که در تاریخ بیهقی، متون با نقل مستقیم به ندرت دیده می‌شود و از آنجا که متن فوق، حاوی نقل مستقیم متن و دارای ساختار مشخصی است، لذا ساختار متن نامه در نگاه کلی و جزئی‌تر به شرح زیر تشریح می‌شود:

گزارش	(۱) آغاز نامه:	طرح کلی ساختار متن نامه:
گزارش	(۲) میانه نامه:	
تقاضا	(۳) پایان نامه:	
////////////////////////////////////		
فرستنده برای نشان دادن اوضاع، ابتدا به وصف و گزارش می‌پردازد و سپس در پایان نامه تقاضای خود را بیان می‌کند.	(۱) حضور فرستنده و گیرنده:	طرح جزئی ساختار متن نامه:
جملات در بخش آغازین و میانه همگی خبری است تا گزارش حال نامساعد را بدهد. در بخش پایانی نیز جمله شرطی با غرض تقاضا مشاهده می‌شود.	(۲) کاربرد نوع جملات:	
لحن عاطفی در پایان نامه و لحن جدی در آغاز نامه کاملاً پیداست.	(۳) کاربرد نوع لحن:	
---	(۴) صناعات ادبی تأثیرگذار بر محتوا	

– معمای امیرک بیهقی

«و جواب نبشته بودیم امیرک را با اسکدار و چه با قاصدان مسرع که:

آغاز متن: گزارش

«اینک لشکری قوی می‌آید با سالاری نامدار،

پایان متن: اندرز

دل قوی باید داشت تو را و اهل شهر را و دیگران را و در نگاهداشت شهر احتیاطی تمام بکرد که به اثر منطقه لشکری است» (صص ۹۷۷-۹۷۸).
متن فوق، ساختار یکپارچه‌ای دارد و علت آن، متن گزارش گونه است. همچنین، درونمایه آن، جنگ و لشکرکشی است. طبق متن فوق، از آنجا که در تاریخ بیهقی، متون با نقل مستقیم به ندرت دیده می‌شود و از آنجا که متن فوق، حاوی نقل مستقیم متن و دارای ساختار مشخصی است، لذا ساختار متن نامه در نگاه کلی و جزئی تر به شرح زیر تشریح می‌شود:

گزارش	(۱) آغاز نامه:	طرح کلی ساختار متن نامه:
اندرز	(۲) میانه نامه:	
اندرز	(۳) پایان نامه:	
////////////////////////////////////		
فرستنده برای نشان دادن اوضاع، ابتدا به وصف و گزارش می‌پردازد و سپس در پایان نامه امر با غرض اندرز خود را بیان می‌کند.	(۱) حضور فرستنده و گیرنده:	طرح جزئی ساختار متن نامه:
جملات در بخش آغازین خبری است تا گزارش حال نامساعد را بدهد و در بخش پایانی نیز جمله امری با غرض اندرز مشاهده می‌شود.	(۲) کاربرد نوع جملات:	
لحن جدی و گزارشی در نامه کاملاً پیداست.	(۳) کاربرد نوع لحن:	
---	(۴) صناعات ادبی تأثیرگذار بر محتوا	

- ارتباط و تناسب ساختار و محتوا

درونمایه جنگ و لشکرکشی با ساختار گزارش‌گونه و خبری متن کاملاً سنخیت و تناسب دارد. در جنگ و لشکرکشی گزارش حال، بخش مهمی را به خود اختصاص می‌دهد.

- معمای امیرک بیهقی

«معمای بیرون آوردم نبشته بود: تا خبر رسید که حاجب آلتوتانش از غزنین برفت، من بنده هر روزی یک دو قاصد پیش او بیرون می‌فرستادم و آنچه تازه می‌گشت از حال خصمان که متهمان نبشتند، او را باز می‌نمودم و می‌گفتم که چون باید آمد و احتیاط برین جمله باید کرد. و وی بر موجب آنچه می‌خواند کار می‌کرد و با احتیاط می‌آمد تعبیه کرده. راست که از بغلان برفت و بدشمن نزدیک‌تر شد آن احتیاط کردند و دست به غایت برگشادند چنان که رعیت به فریاد آمد و به تعجیل برانند و داود را آگاه کردند.

چون منطقه متهی برسید برین جمله در رفت نزدیک آلتوتانش فرستادم و نبشتم تا احتیاط کند چون به دشمن نزدیک آید و حال برین جمله است نکرده‌بودند احتیاط، چنانچه بایست کرد به لشکرگاه تا خللی بزرگ افتاد. نامه در بند با مقطله با ترجمه در میان رفعتی نهادم، نزد آجایی بروم، فرود سرای برود و دیر بماند، پس برآمد و گفت م بخواند» (ص ۹۸۳).

ساختمان تنها از متن گزارشی ساخته شده‌است. به همین دلیل، ساختار یکپارچه‌ای در متن نامه جاری و ساری است. درونمایه نامه هم مرتبط با جنگ و ستیز است. طبق متن فوق، از آنجا که در تاریخ بیهقی، متون با نقل مستقیم به ندرت دیده می‌شود و از آنجا که متن فوق، حاوی نقل مستقیم متن و دارای ساختار مشخصی است، لذا ساختار متن نامه در نگاه کلی و جزئی‌تر به شرح زیر تشریح می‌شود:

گزارش	(۱) آغاز نامه:	طرح کلی ساختار متن نامه:
گزارش	(۲) میانه نامه:	
گزارش	(۳) پایان نامه:	
////////////////////////////////////		
فرستنده برای نشان دادن اوضاع، تنها به وصف و گزارش می‌پردازد با توصیف جزئیات.	(۱) حضور فرستنده و گیرنده:	طرح جزئی ساختار متن نامه:
جملات در بخش آغازین و میانه و پایانی همگی خبری است تا گزارش حال را بدهد. جملات کوتاه و بریده بریده و همراه با ایجاز است.	(۲) کاربرد نوع جملات:	
لحن گزارشی در کل ساختار نامه کاملاً پیداست.	(۳) کاربرد نوع لحن:	
---	(۴) صناعات ادبی تاثیرگذار بر محتوا	

– ارتباط و تناسب ساختار و محتوا

درونمایه جنگ با ساختار گزارش‌گونه و خبری متن کاملاً سنخیت و تناسب دارد.

– معنای بی‌هقی به وزیر

«معنا نیستم به خواجه و احوال باز نمودم و رکابداری را گسیل کرده آمد و به خواجه رسیده، خواجه رکابدار را و منشور و نامه را نگاه داشت که دانست ناصواب است و جواب نوشت سوی من با سگدار» (صص ۹۹۲-۹۹۱).

در متن فوق، نقل غیرمستقیم صورت گرفته است و خبری از متن اصلی نیست که برایش ساختمانی فرض شود. این وضعیت در متن ذیل هم دیده می‌شود:

– معنای وزیر

«قلم برداشت و با معنایی نهاد غریب و کتابی از رحل برگرفت و آن را بر پشت آن نبشت و نسختی به خط خود به من داد» (ص ۹۸۸).

– معنای به وزیر

«این نامه نبشته آمد و گسیل کرده شد و من به سمت مصرح باز نمودم که: این خداوند را کاری نافتاده بشکوهیده است و تا لاهور عنان باز نخواهد کشید و نامه‌ها پوشیده رفت آنجا تا کار بسازند و می‌نماید که پلاهور باز نه‌ایستند. و از حرم به غزنین نمی‌ماند و نه از خزائن چیزی و این اولیاء و حشم را که اینجا از دست و پای از کار بده‌است و متحیر مانده‌اند و امید همگان به خواجه بزرگ است. زینهار زینهار! و با محتشمان حضرت بگفتم پوشیده که به وزیر نامه فرمود چنین و چنان. نبشتم و معنا از خویشتن چنین و چنان نبشتم گفتند سخت نیکو آتفاقی افتاده است» (صص ۹۹۴-۹۹۳).

ساختمان تنها از متن گزارشی ساخته شده است و یکپارچگی در آن مشاهده می‌شود.

طبق تعاریف فوق، در معنای نامه‌ها همواره:

- ۱- یا متن اصلی نقل قول نمی‌شود و در قالبی غیرمستقیم بدان اشاره می‌شود.
- ۲- و یا متن اصلی بیان می‌شود و ساختار یکپارچه‌ای را به خود اختصاص می‌دهد، زیرا تنها جملات خبری با غرض گزارش در متن دیده می‌شود.
- ۳- درونمایه‌ها اغلب جنگ و لشکرکشی است که با ساختار گزارش‌گونه و جملات خبری پی‌درپی کاملاً تناسب دارد.

فتح نامه

فتح‌نامه یا نامه فتح مکتوبی است متضمن خبر پیروزی لشکر در نبرد که از طرف سلطان بر دست «مبشران» به دیگر شهرها و ولایات فرستاده می‌شده تا با انتشار خبر پیروزی، موجبات عظمت و قدرت حکومت بیشتر آشکار گردد (پشت‌دار، ۱۳۸۰: ۲۱۹). با توجه به اینکه تاریخ بی‌هقی از جنگ‌های دوره غزنوی و ... هم سخن به میان آورده است، مواردی از فتح‌نامه در این اثر دیده می‌شود که در ادامه بازنمایی می‌شود.

– فتح‌نامه احمد و پسرش

«امیر جواب‌های نیکو فرمود و تلک را و دیگران را بناوخت و احماء کرد و مبشران را بازگردانیده آمد و تلم را فرمود تا قصد درگاه کند یا سر احمد پنتالگین و یا پسرش و اینک عاقبت خائنان و عامیان چنین باشد و از آدم علیه‌السلام یا بومنه عذا برین جمله بود که هیچ بنده بر خداوند خویش بیرون نیامد که نه سر بیاید داد: و امیر درین باب نامه‌ها فرمود با اعیان و بزرگان و به اطراف ممالک و فرمان برداران مبدران فرستاد که: سخت بزرگ فتحی بود» (ص ۴۶۹).

متن نامه در قالب کلی‌گویی بیان شده‌است و خبری از وصف جزئیات نیست.

– فتح‌نامهٔ آمل بر پیروزی بر لشکر ترکمانان

«روز سه شنبه چاشتگاه ده روز گذشته از جمادی‌الاولی سه غلام سرایی رسیدند بشارت فتح، و انگشتوانهٔ امیر بدنشان بیاوردند که از جنگ جای فرستاده‌بود، چون فتح برآمد، که امیر ایشان را بتاخته بود و دو اسیر بودند انگشترانه را بالار غلامان سرایی حاجب بگنفتی دادند. او بر پای خواست و زمین بوسه داد و فرمود تا دهل و بوق بزنند و آواز از لشکرگاه برخاست. گفت بونصر را بگوی تا فتح نامه بنسخت کند. گفتم فرمانبردارم و بازگشتم ... نسختی کرد این فتح را سخت نیکو و بیاض آن من کردم و نماز دیگر پیش برد و امیر بخواند و بیسندید، امیر مسعود به آمل بازرسید به ضمان سلامت و ظفر و نصرت ... و صاحب دیوان رسالت بونصر را گفت نامه‌های فتح باید فرستاد ما را به مملکت ... و نیشته آمد و خلبانان و غلامان سرایی برفتند» (صص ۶۸۲-۶۸۰).
متن نامه در قالب کلی گویی بیان شده‌است و خبری از نقل قول مستقیم نیست، لذا ساختاری در نظر گرفته نمی‌شود.

– فتح‌نامهٔ به تخت نشستن طغرل

«و نامه نبشتند به خانان ترکستان و پسران علی نگیب و عین‌الدوله و همه اعیان ترکستان به خبر فتح، و نشان‌های دویت‌خانه‌ها و علم‌های لشکر فرستادند با مبشران» (ص ۹۵۹).
متن نامه در قالب کلی گویی بیان شده‌است و خبری از نقل قول مستقیم نیست.

– فتح‌نامهٔ بنارس

«و دمادم این مبشران رسیدند و نامه‌های سالار هندوستان احمد ینالنگین و صاحب برید لشکر آورده‌اند به خبر فتح بنارس که: گوید من پسر محمود و بندگان به حکم شفقت آگاه کردند، رای عالی برتر است. این نامه‌ها بر دل امیر کار کرد و بزرگ اثری کرد و مثال داد استادم را بونصر تا آن را پوشیده دارد چنان که کس بر آن واقف نگردد. و دُمادُم این مبشران رسیدند و نامه‌های سالار هندوستان احمد ینالنگین و صاحب‌برید لشکر آوردند به خبر فتح بنارس که «کاری سخت بزرگ برآمد و لشکر توانگر شد و مالی عظیم از وی و خراج‌ها که از تُگران بسته‌ده‌است و چند پیل حاصل گشت» (ص ۶۲۹).
در متن فوق، چند جملهٔ کوتاه در حد اختصار همراه با ذکر پیایی واو ربط و خلاصه‌ای از کل نامه بیان شده‌است که همگی قالب و ساختار گزارش‌گونه و خبری دارند.

در نگاهی کلی،

متن فتح‌نامه‌ها در تاریخ بیهقی در قالب غیرمستقیم بیان شده‌اند و در موارد استثنا هم در قالب یک جملهٔ کوتاه و خبری فتح را بشارت داده‌اند؛ لذا ساختمان درخور توجه و تشریحی نمی‌توان برای آن فرض کرد.

۷- نتیجه گیری

ساختار و درونمایه در نامه‌های تاریخ بیهقی

در گشادنامه

- ساختار نامه یکپارچه و یکدست است. نویسنده نامه، تنها از جملات امری بهره برده تا فرمانی را که می‌بایست اجرا شود، به گیرنده برساند. فرستنده یا همان نویسنده، جملات کوتاه و بریده بریده را با واو ربط در کنار هم پی‌درپی به کار می‌گیرد تا جملات مفید و موجز در نامه نگاشته شود.
- و جملات امری به عنوان بخشی از ساختار متن، می‌تواند با موضوع تفحص به عنوان درونمایه و فکر مسلط متن مرتبط باشد.
- نهایت ایجاز در جملات
- لحن جدی

در مواضعها

- متن کامل و اصلی بیان نمی‌شود و نقل غیرمستقیم همراه با کلی گویی است.
- با این وجود، آنچه از نقل غیرمستقیم پیداست، جملات امری باید، ساختمان متن اصلی را پر کرده باشد.
- درونمایه و فکر مسلط نامه، جانشینی و خلافت است که با ساختار جملات امری از جانب بالادست به شخص جانشین به عنوان زیردست کاملاً سنخیت دارد.
- لحن جدی است.
- ساختار قابل تشخیصی ندارد.

در معماناها

- همواره یا متن اصلی نقل قول نمی‌شود و در قالبی غیرمستقیم بدان اشاره می‌شود و یا متن اصلی بیان می‌شود و ساختار یکپارچه‌ای را به خود اختصاص می‌دهد، زیرا تنها جملات خبری با غرض گزارش در متن دیده می‌شود.
- درونمایه‌ها اغلب جنگ و لشکرکشی است که با ساختار گزارش گونه و جملات خبری پی در پی کاملاً تناسب دارد.
- ساختار نامه شامل موارد زیر است که متناسب با درونمایه است:
گزارش/ تقاضا
- ساختار یکپارچه به دلیل گزارش مطلق در نامه
- لحن جدی و گاه عاطفی است.
- جملات شرطی یا امری با غرض تقاضا در آن مشاهده می‌شود.

در پیمان نامه

- ساختمان پیمان نامه‌ها اغلب مشابه هستند، نامه‌ها با تمجید آغاز و سپس در قالب گزارش فقط از فرستنده متن بیعت داریم و متن نامه به گیرنده مربوط نمی‌شود.
- درونمایه: بیعت نیز با چنین ساختاری کاملاً تناسب دارد:
- تکریم/ سوگند/ گزارش.
- جملات اغلب کوتاه و خبری است.
- ایجاز در متن

در سوگندنامه

- در تاریخ بیهقی سوگندنامه‌ها دارای ساختار قابل توجهی نیستند، زیرا همه دارای نقل غیرمستقیم‌اند و خبری از متن اصلی و پایه نامه نیست.

در فتح‌نامه

- متن فتح‌نامه‌ها در تاریخ بیهقی در قالب غیرمستقیم بیان شده‌اند و در موارد استثنا هم در قالب یک جمله کوتاه و خبری فتح را بشارت داده‌اند؛ لذا ساختمان درخور توجه و تشریحی نمی‌توان برای آن فرض کرد.

در منشور

- در نگاهی کلی، منشورها در تاریخ بیهقی نقل غیرمستقیم‌اند.
- در قالب کلی گویی و ابهام بیان شده‌اند؛ لذا ساختمان درخور تحلیل و تشریحی برای آنها نمی‌توان فرض کرد.
- در موارد استثنا هم که متن منشور در قالب مستقیم ذکر شده، اغلب با کلی گویی و اختصار و ایجاز بیان شده‌اند.

در مشافهه

- در نگاهی کلی، تمامی مشافهه‌ها در تاریخ بیهقی اغلب با ساختار مشابه به کار رفته‌اند که به شرح زیر است:
جمله خبری/ امر
- درونمایه نیز از آنجایی که همواره دستورات مقام بالاتر را شامل می‌شود، با ساختار امری متن کاملاً سنخیت دارد.

در نامه خصوصی

- در نگاهی کلی، اغلب جملات متون نامه‌های خصوصی تاریخ بیهقی، کوتاه و موجز و دارای ساختار یکپارچه است و در حد تحلیل و تشریح ساختاری نیست.

در نامه توقیعی

- در تاریخ بیهقی، نامه‌های توقیعی اساس و ساختاری تقریباً مشابه دارند.
- درونمایه‌های این نوع نامه‌ها اغلب جنگ، جانشینی و خلافت و یا دستورات سلطنتی است که با نوع ساختار متن (امر و گزارش) کاملاً تناسب دارد.
- ساختار نامه شامل موارد زیر است که متناسب با درونمایه است:
گزارش/ اندرز

ساختاری

- نامه‌ها هرگز جنبه اطناب به خود نمی‌گیرد.
- خالی بودن نثر از مترادفات و صنایع لفظی و ترکیبات عربی و استعمال محدود جملات لغتی و وصفی و دعایی که پس از ذکر نام پیامبر اسلام و بزرگان دین و صحابه و خلفا و سلاطین آورده می‌شد.
- زبان عربی و تأثیر جمله بندی عربی دیده می‌شود.
- جمله‌ها، کوتاه و مستقل و از نظر معنی به هم پیوسته بود. لازم به توضیح است که در جمله‌ها کوشش می‌شد که به حداقل لفظ اکتفا شود و از استعمال مترادفات و صنایع و لغات زینتی خودداری گردد و همین امر سبب می‌شد که تناسب لفظ و معنی رعایت شود، جمله‌ها مستقل بودند و معنی هر جمله، به خود آن جمله تمام می‌شد و رابطه بین جمله‌ها نیز از نظر معنایی پیوسته بود و سست و گسیخته نبود و جمله‌ها با نظمی منطقی زنجیروار به هم می‌پیوستند.
- الفاظ و افعال و روابط، در جمله‌های پی در پی تکرار می‌شدند و این امر نثر را به زبان محاوره نزدیک می‌ساخت.

منابع و مآخذ

۱. انوری، حسن (۱۳۷۳) اصطلاحات دیوانی دوره غزنوی و سلجوقی، چاپ دوم، تهران: سخن.
۲. ایگلتون، تری (۱۳۸۰) پیش‌درآمدی بر نظریه ادبی، ترجمه‌ی عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
۳. باردن، آکن (۱۳۷۵) تحلیل محتوا، ترجمه‌ی ملیحه‌ی آشنایی و محمد یمنی دوزی سرخابی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۴. بدیعی، نعیم (۱۳۷۶) «روش تحلیل محتوا»، مجله‌ی نمایه پژوهش، سال ۱، ش ۳-۴.
۵. _____ (۱۳۸۰) تحلیل محتوا، تهران: اداره‌ی کل تبلیغات.
۶. بیهقی، خواجه ابوالفضل محمد بن حسین (۱۳۸۹) تاریخ بیهقی، تصحیح دکتر علی اکبر فیاض، چاپ دوم، تهران: نشر علم.
۷. _____ (۱۳۷۰) تاریخ بیهقی، به کوشش خلیل خطیب‌رهبر، چاپ دوم، تهران: مهتاب.
۸. پشت‌دار، علی محمد (۱۳۸۰) «آداب و فنون دبیری در تاریخ بیهقی و چهارمقاله»، مجله‌ی پیام بهارستان، شماره ۷.
۹. پورداوود، ابراهیم (۱۳۸۰) فرهنگ ایران باستان، تهران: اساطیر.
۱۰. تبریزی، محمدحسین بن خلف (۱۳۴۲) برهان قاطع، ج ۱، به اهتمام دکتر محمد معین، مقدمه‌ها به قلم علی اکبر دهخدا، ابراهیم پورداوود، علی اصغر حکمت و سعید نفیسی، تهران: ابن سینا.
۱۱. تفضلی، احمد (۱۳۸۳) تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار، تهران: سخن.
۱۲. توپسرکانی، قاسم (۱۳۳۸) تاریخی از زبان تازی در میان ایرانیان، تهران: انتشارات دانش‌سرای عالی.
۱۳. جعفری، ناهید (۱۳۹۲) «نامه و نامه‌نگاری در تاریخ بیهقی»، فصلنامه‌ی بهارستان سخن، دوره ۹، شماره ۲۳.
۱۴. جهشیاری، ابی عبدالله محمد بن ابن عبدوس (۱۳۴۸) الوزراء و الکتاب، القاهرة: بی‌نا.
۱۵. حسینی کارزونی، سید احمد (۱۳۸۸) فرهنگ و تاریخ بیهقی، چاپ دوم، تهران: زوار.
۱۶. _____ (۱۳۸۴) پژوهشی در اعلام تاریخی و جغرافیایی تاریخ بیهقی، تهران: مؤسسه فرهنگی آیات.
۱۷. خطیبی، حسین (۱۳۸۶) فن نثر در ادب پارسی، چاپ سوم، تهران: زوار.
۱۸. دانش‌پژوه، منوچهر (۱۳۷۷) سیر نامه‌نگاری در ادبیات فارسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۹. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران.
۲۰. دهقان، علی (۱۳۸۶) فن نامه‌نگاری در زبان فارسی، تهران: شایسته.
۲۱. رایت، کارل (۱۳۷۳) تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ترجمه‌ی نادر سالارزاده امیری، تهران: نشر دانشگاه علامه طباطبایی.
۲۲. رحیم‌سلطانی، آرزو (۱۳۹۱) «مروری بر روش تحلیل محتوا»، مجله‌ی آینه پژوهش، دوره ۲۳، ش ۱۳۷.
۲۳. رستگارفاسایی، منصور (۱۳۸۵) انواع نثر فارسی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
۲۴. رضایی‌اول، مریم و دلبری، حسن (۱۳۹۷) «بررسی هم‌سنج نامه‌های تاریخ بیهقی با نامه‌های عتبه‌الکتبه و التوسل الی الترتل»، مجله‌ی نثرپژوهی ادب فارسی، دوره ۲۱، شماره ۴۳.
۲۵. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۵) «تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی: کندوکاوها و پنداشته‌ها»، تهران: شرکت سهامی.
۲۶. رکنی یزدی، محمدمهدی (۱۳۷۴) یادنامه‌ی ابوالفضل بیهقی، چاپ دوم، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
۲۷. زریاب خوبی، عباس (۱۳۶۸) تاریخ نگاری بیهقی، تهران: علمی.
۲۸. ساروخانی، باقر (۱۳۷۵) روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۹. سرمد، زهره و بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۷۹) روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: نشر آگه.
۳۰. صالحی، پیمان (۱۳۹۴) «بررسی نگارش نامه‌های دیوان رسالت در عصر غزنوی با تکیه بر تاریخ بیهقی»، مجله‌ی گنجینه اسناد، شماره ۹۸.

۳۱. صحرائی، قاسم و حسنی جلیلیان، محمدرضا و پیران‌پور، میررضا (۱۳۹۰) «پژوهشی در نامه‌های شاهنامه فردوسی»، مجله متن پژوهی ادبی، دوره ۱۵، شماره ۵۰.
۳۲. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۶) تاریخ ادبیات در ایران در قلمرو زبان پارسی، تهران: توس.
۳۳. عتبی، محمد بن عبدالجبار (۱۳۴۵) ترجمه تاریخ یمنی، به اهتمام جعفر شعار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۴. فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۷۶) «آموزش، تحقیق، ترویج (تحلیل محتوای نامه علوم اجتماعی)»، مجله نمایه پژوهش، سال ۱، ش ۱۰۰-۹۹.
۳۵. کریستین سن، آرتور (۱۳۸۷) ایران در زمان ساسانیان، ترجمه غلامرضا رشید یاسمی، تهران: نگاه.
۳۶. محبوب، محمدجعفر (۱۳۸۱) خاکستر هستی، چاپ دوم، تهران: مروارید.
۳۷. مردانی، فیروز (۱۳۷۷) «ترسل و نامه نگاری در ادب فارسی»، مجله کیهان فرهنگی، شماره ۱۴۷.
۳۸. مصطفوی سبزواری، رضا (۱۳۷۱) گزیده تاریخ بیهقی، چاپ چهارم، تهران: نشر دانشگاه پیام نور.
۳۹. معین، محمد (۱۳۸۹) فرهنگ‌نامه، به اهتمام عزیزالله علیزاده، تهران: ثامن.
۴۰. میهنی، محمد بن عبدالخالق (۱۳۸۹) آیین دبیری، به تصحیح و توضیح اکبر نحوی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۴۱. نئوندروف، کیمبرلی. ای (۱۳۹۵) راهنمای تحلیل محتوا، ترجمه حامد بخشی و وجیهه جلاویان بخشنده، مشهد: نشر جهاد دانشگاهی.
۴۲. نرشخی، محمد بن جعفر (۱۳۶۳) تاریخ بخارا، به تصحیح احمد بن نصر، تهران: توس.
۴۳. نصیری عمران، کبری (۱۳۹۵) «نامه‌ها در تاریخ بیهقی»، مجله رشد آموزش و پرورش، شماره ۱.
۴۴. نظامی عروضی سمرقندی، احمد بن عمر (۱۳۸۱) از روی تصحیح علامه محمد قزوینی، با شرح و توضیح از سعیده قره‌بگلو و دکتر رضا انزایی نژاد، تهران: نیل.
۴۵. هولستی، ال. آر، (۱۳۷۳) تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران: نشر دانشگاه علامه طباطبایی.
۴۶. یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۹) یادنامه تاریخ بیهقی، مشهد: دانشگاه فردوسی.

1. Seyyede Fatemeh Hoseini Tabaar, PhD student in Persian Language and Literature, Department of Persian Language and Literature, Torbat Heydariyeh Branch, Islamic Azad University, Torbat Heydariyeh, Iran.

2. Dr. HamidReza Soleimani, Assistant Professor of Persian Language and Literature, Department of Persian Language and Literature, Torbat Heydariyeh Branch, Islamic Azad University, Torbat Heydariyeh, Iran (Corresponding Author)

Email: hrsoleimani@yahoo.com

3. Dr. Abbas Kheirabadi, Assistant Professor of Persian Language and Literature, Member of the Board of the Ferdowsi Foundation Literary Association of the Toos branch, Iran

4. Dr. Mahmoud FirouziMoghaddam, Assistant Professor of Persian Language and Literature, Department of Persian Language and Literature, Torbat Heydariyeh Branch, Islamic Azad University, Torbat Heydariyeh, Iran

Structural and thematic analysis of letters in Beyhaqi history

Abstract:

Letters are one of the tools of communication between human beings that have been used for a long time. Letters in Persian sources are worth studying and researching in different ways. The main purpose and issue of the present dissertation, which has been compiled based on library sources and descriptive-analytical method, is to study and compare the structure and theme of different types of letters in the two mentioned works; Letter of Inquiry; Peace letter; Oath; Treaty; Advice letter; Description of spelling. In the Tarikh of Bayhaqi, letters fall into the following categories: signature; Private; Moshafehe; Charter; Fat'hnameh; Oath; Agreement; Mutual notice; Position; Expansion; Molattafeh. On a structuralist base letter, in Tarikh of Bayhaqi rarely begins in the name of God. Letters do not tend to be complex, however, they use synonyms, figures of word, Arabic compounds. Also, the sentences are short and independent and interconnected in terms of meaning, and the words, verbs and relations are repeated in successive sentences, and this has brought the prose closer to the colloquial language in some cases.

Keywords: Tarikh of Bayhaqi, letter, structure, theme, content, comparison.